

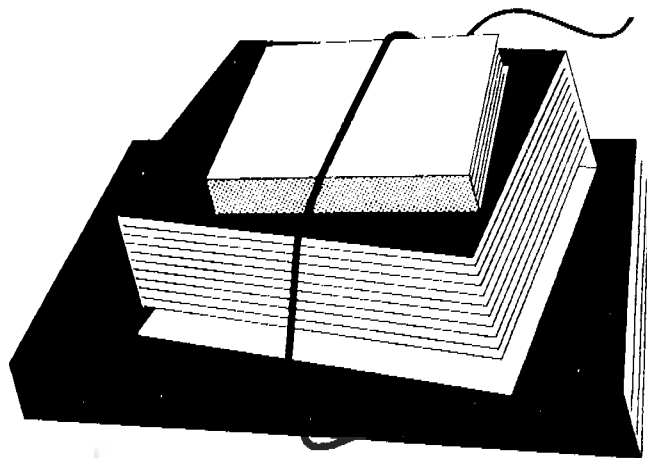
گروه‌های مختلف فکری در زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی، همکاری کرده و با تلاش جمعی خود سیاستگذارها را در حد اروپایی آن دنبال کرده به نتیجه می‌رسانند.

مانند بسیاری دیگر از مباحث علمی و تخصصی، هیچ کدام از این دو دیدگاه صحیح نیست و در واقع این بحث نسبت به تأثیر آن در اینجا، اصلاً جنبه‌های متفاوت قضا را در بر نمی‌گیرد. قانون تعاونی‌های اروپا نمونه آشمار و خوبی از این نکته است. این قانون بدان منظور ضرورت پیدا کرد که هم به اهداف اصلی (چهار هدف بنیادین آزادی در جابجایی کالا، خدمات رسانی، سرمایه گذاری، نیروی کار) جامعه اروپا جامه عمل بپوشانند هم پاسخی به تقاضاهای سازمانهای منطقه‌ای باشد. ولی یک نکته مهم در این معادله سیاستگذاری در نظر گرفته نشده برای شرکتهای تعاونی است زیرا هیچ یک از تعاونی‌ها، به ویژه شرکتهایی که قصدشان منتفع شدن از چنین ساختار قانونی بود، تلاش زیادی برای پیوستن به قانون تعاونی‌ها از خود نشان ندادند. همچنین به نظر نمی‌رسد که مشورتی هم مستقیماً با آنها صورت گرفته باشد.

در هر ساختار قانونی معنادار که برای بخش تعاون وضع می‌شود، باید نیازمندیهای شرکتهای تعاونی در نظر گرفته شود و در قانونی که در سطح اروپا تنظیم می‌گردد، باید نیازهای بعدی تعاونی‌ها و نیز تدابیر لازم برای رفع موانع آنها در بازاری که مرتباً تکامل می‌یابد، پیش بینی شود، این نیازها چیست؟ چگونه به وجود می‌آید؟ و چه نوع قانونی ممکن است جوابگوی آن باشد؟ اگر چه غیر ممکن است در اینجا بتوان درباره اشارات و مفاهیم هر یک از مواد قانون پیشنهاد شده بحث کرد، ولی وقت آن رسیده که به طور عملی نشان دهیم که چه طور ممکن است به تعاونی‌ها یاری کرد تا از مزایای بازار واحد بهره‌مند گردند!

### چرا به قانون جدید نیاز داریم؟

تا این مرحله، قانون در جوامع اروپایی



## قانون تعاونی‌های اروپا... چه کسانی نیازمند آن هستند؟

صرفه جویی‌های حاصل از تولید انبوه و غیر فنی از ادغام کارهای متداول مثل تولید، بازاریابی، تحقیق و توسعه و فعالیت‌های مربوط به توزیع، نشأت می‌گیرد. این نوع عقلانی سازی امور و گسترش آنها به ویژه از طریق اتحادیه‌های تعاونی، یا تعاونی‌هایی که دارای نهاد قانونی باشند، مناسب است.

بسیار تأثیر گذار در حیطه‌های دیگر سیاست است که آنها را تغییر داده، از محدوده داخلی فراتر برده و سراسر اروپا را شامل می‌گردد. این پدیده را «نظریه دوچرخه»<sup>۲</sup> نیز نام نهاده‌اند، به این معنا که پس از حذف انگیزه حرکت، دوچرخه واژگون می‌شود.

مکتب فکری دیگری که «جمع گرایان» به آن معتقدند، بر اهمیت میانجیگری و حضور علایق جمعی تأکید می‌کند که از طریق آن

● دابلیو. ال نیل<sup>۱</sup>

● ترجمه: عباس خان محمد

آگاهان به مسائل سیاسی در اتحادیه اروپا تلاش می‌کنند تا مراحل سیاستگذاری را کاملاً بازبینی کنند و تا حد امکان آن را آسانتر نمایند. آنها در این مسیر به دو فرضیه متناقض دست یافته‌اند. در عین حال بیش از کارگرایان<sup>۱</sup> جدید معتقد به سیاستگذاری در شکل اروپایی آن دارای حرکتی طبیعی، انگیزشی، پیش رونده یا

نسبتاً با سرعت پیشرفت کرده است که عمدتاً وجود دیدگاههای عملی در کارها و نیز وجود طرق ممکن که به سبب آن تعاونی‌ها بتوانند از آزادی عمل در یک بازار واحد بهره‌مند گردند، در آن تأثیر گذاشته است. سه عاملی که باعث ایجاد تحولات جدید شده است عبارتند از: هماهنگی، تشخیص مشترک، قانونگذاری.

جامع‌ترین تفکر این بوده که ۱۲ قانون داخلی یا ملی (به انضمام الحاقات منطقی‌های و بخشی) را با هم هماهنگ کرده، و از آن یک قانون واحد اروپایی به وجود آورند تا تمام تعاونی‌ها در تمام کشورهای عضو مشمول آن گردیده، از آن تبعیت کنند. این کار در واقع از لحاظ تنوعات و تفاوتها غیر ممکن است زیرا هم تعاونی‌ها و هم دولتهای ملی که با قوانین کشور خود آشنا بودند، دلیلی نمی‌دیدند که از قوانین بروکسل پیروی کنند مگر آن که جنبه اروپایی خاصی مطرح می‌شد.

اصل تشخیص مشترک اکنون به شکل یک قانون موردی در اروپا پذیرفته شده است، ولی تشخیص تفاوت کشورها با هم برای گشایش بازار در اروپا به روی تمام تعاونی‌ها کافی نیست. تعاونی‌ها هنوز احتیاج به تشکیل انجمنهایی تحت قوانین متفاوت و داخلی کشورهایی خود دارند و مایل به همکاری با آنها هستند. خود این مسئله مانع مهمی در راه فعالیتهای بین‌مرزی برای آنهاست که نمی‌توانند در هر یک از کشورهایی که می‌خواهند کار کنند، وکلایی برای خود داشته باشند.

پیشنهاد سوم که پذیرفته شد این بود که قانون تعاونی جدیدی در اروپا وضع کنند تا ضمن این که جایگزین قوانین متفاوت داخلی کشورها می‌گردد، در کنار آنها نیز باشد. هدف این قانون به ویژه توجه به کسانی بود که می‌خواستند در بیشتر از یک کشور عضو به کار بپردازند.

### آسان سازی کارها برای تعاونی‌ها

هنگامی که پیش نویس قانون جدید (به جای هماهنگ کردن قوانین موجود) تهیه می‌شود، بسیار باید دقت کرد و مطمئن شد که با قانون جدید، هیچ گونه مزیت و یا عدم

مزیتی به طور ناعادلانه در مقابل قوانین موجود داخلی کشورها قرار نگیرد. به عبارت دیگر، زمینه باید برای همه هموار باشد. به این دلیل، کمیته مجبور شد نوعی به اصطلاح «کوچکترین مضرب مشترک»<sup>۵</sup> برای قانون تعاونی‌ها پیشنهاد کند. در مرحله رسیدن به سازش و تطابق در میان قوانین تعاونی کشورهای گوناگون عضو، به نظر می‌رسد که هر گونه عنصر یا عامل خاص تعاونی و به سبب آن هر نوع ویژگی منحصر به فرد، در قانون جدید حذف شده باشد. قبلاً هویت مشترک و متناسبی به شکل اصول معتبر و شناخته شده جهانی (مطابق با آن چه اتحادیه جهانی تعاون در سال ۱۹۶۶ به رسمیت پذیرفت) وجود داشته و بنابراین دشوار بتوان فهمید که چرا نباید این اصول به اصطلاح کوچکترین مضرب مشترک را به وجود آورده باشد. هیچ اشاره خاصی در مقدمه یا متن قانون مزبور به این اصول نشده است.

البته، برای هر تعاونی میسر است اصول مربوط را در قوانین خودش منظور نماید. اغلب به مثالی درباره دانمارک اشاره می‌شود که در آن هیچ قانون خاصی برای تعاونی‌ها وجود ندارد. با این وجود، تعاونی‌ها به کار خود ادامه داده و در واقع



روتق هم می‌یابند. به نظر می‌رسد روند کار در اروپا در جهت حذف مقررات زاید و ایجاد انعطاف پذیری در قانون شرکتها باشد. ولی به هر حال، حداقل ضوابط از لحاظ نحوه عملکرد انجمن تعاونی‌های اروپا باید وجود داشته باشد. دلیلی ندارد قانون جداگانه‌ای برای تعاونی‌ها باشد تا تعاونی‌ها بتوانند از آن به عنوان یک وسیله راحت برای نادیده گرفتن قانون شدیدتر و مؤکدتر تعاونی سوء استفاده کنند. شرکتگاهی که خود را بزرگ جلوه می‌دهند، باید از قانون شرکتگاهی بزرگ تبعیت کنند.

یکی از مزایای عمده قانون واحد اروپایی، وجه اشتراک آن برای تمام کشورهای عضو است، ولی با کاسته شدن از این وجه مشترک، مزیت هم کاهش می‌یابد. مراجعه مکرر به قانون ملی هر کشور عضو انجمن تعاونی‌های اروپا باعث می‌شود که از تأثیر قانون اصلی و تعیین شده کم شود (ماده ۴). به نظر می‌رسد در هر مورد که نمایندگان یک کشور در کمیته نمایندگان دائمی نتوانسته‌اند به زمینه‌ای مشترک دست یابند، به جای آن که از قانون توافق شده الهام بگیرند، صرفاً به قوانین داخلی کشورشان اتکا کرده به آن مراجعه نموده‌اند. بنابراین، اختلافهای ملی به قوت خود باقی خواهد ماند که این خود ممکن است کشورهای عضو انجمن تعاونی‌ها اروپا را وادار به تفحص درباره اوضاع گوناگون و میسر قانونی و مالی بپردازد که مزیتش از همه بیشتر است، این پدیده در اصطلاح به انتخاب آزاد معروف است.

بنابراین، آیا شرکتگاهی تعاونی از قانون اصلی به منزله وسیله‌ای برای احتراز از مقررات ملی بیش از اندازه محدود کننده و دولتهای بی توجه استفاده خواهند کرد؟ مواردی که تعاونی‌ها بتوانند محل دفاتر یا ادارات ثبت شده خودشان را جابجا کرده مکان مناسب‌تری پیدا کنند که در آن جا فعالیتهایشان مشهود نباشد، احتمالاً کمیاب است، چون طبق ماده ۲ مقررات مربوط، چنین موردی انجمن تعاونی‌های اروپا را مقید می‌کند تا مقر اداره مرکزی خودش را جابجا کند. اختلافات در شرایط تنظیم

مقررات آن قدر زیاد نیست که مجوز یا تأییدی بر هزینه این جابجایی در اروپا، (و از هم گسیختگی ناشی از آن) باشد.

حتی اگر قانون اصلی تعاونی‌ها قوانین تعاونی اروپا را کلاً هماهنگ کند، تا زمانی که نابرابریها در زمینه‌هایی مانند نظام‌های مالیاتی، ضوابط مربوط به بهداشت و امنیت، تأمین اجتماعی و نظام‌های بازنشستگی در کشورهای عضو تداوم دارد، انتخاب آزاد یا به اصطلاح سر خود نیز ادامه می‌یابد. فقط از طریق هماهنگ سازی بیشتر در تمام این زمینه‌ها، مواعی که در راه یک بازار واحد و کارآ وجود دارد، بر طرف خواهد شد.

### تأثیرات بازار واحد بر اقتصاد خرد

در یک نظر سنجی نسبت به بازار واحد، معلوم شد ۵۶٪ پاسخگویان آن را فرصتی مغتنم برای کار خود می‌دانند، در حالی که ۷٪ آن را تسهیدی برای کار خود می‌انگاشتند. تعاونی‌ها نیز مانند سایر شرکتها هم مشمول فشارهای فزاینده رقابتی در بازارهای موجود هستند و هم در بازارهای آینده چنین رقابتی را باید تحمل کنند. به هر حال، بازار واحد اروپا نه فقط بر سطوح رقابت اثر خواهد کرد، بلکه تجدید ساختار و تخصیص مجدد منابع منتج از بازار بزرگتر نیز تأثیرات مهمی بر بازدهی اقتصادی در سطح خرد خواهد داشت. قانون مورد بحث امکان آن را به تعاونی‌ها می‌دهد تا چنانچه از راهکارهای درست در حرفه خود تبعیت کنند، از چنین کارآیی‌هایی بهره‌گیری کرده و به کمک آن مزیت‌های حاصل از رقابت دست یابند.

جایی که ظرفیت بازار موجود برای محصولات یک تعاونی آن قدر کوچک باشد که حداقل بازدهی فنی را نتوان از آن به دست آورد، موقعیتی که با گسترش آن در بازارهای جدید پیش می‌آید، باید منجر به تولیدات مهم فنی در مقیاس وسیع بشود. کارآیی فنی وقتی حاصل می‌شود که کاهش‌هایی در هزینه‌های تولید سرانه و تجدید ساختارهای بعدی و تخصصی بودن محصول به وجود آید. این صرفه جویی‌ها وقتی به حداکثر می‌رسد که انجمن

تعاونی‌های اروپا ساختار مدیریتی و روش‌های تصمیم‌گیری یکسان و خاص خود را داشته باشد. به استثنای جایی که پنج نفر از اشخاص معمولی یا بیشتر چنین تشکلی را به وجود آورند، فرصت برای تشکیل چنین انجمن متحدی کم می‌شود که علت آن ناتوانی در ایجاد یک انجمن از طریق ادغام است.

صرفه جویی‌های حاصل از تولید انبوه و غیرفنی از ادغام کارهای متداول مثل تولید، بازاریابی، تحقیق و توسعه و فعالیت‌های مربوط به توزیع، نشأت می‌گیرد. این نوع عقلانی‌سازی امور و گسترش آنها به ویژه از طریق اتحادیه‌های تعاونی، یا تعاونی‌هایی که دارای نهاد قانونی باشد، مناسب است. چنین صرفه جویی‌هایی البته یکی از دلایل اصلی توفیق در همکاری‌های کشاورزی است، اما وقتی این کار در داخل کشورها صورت گیرد، طبیعتاً به شکل یک شرکت با مسئولیت محدود عمل خواهد کرد.

### تعاون در میان کشورها

بهترین راه برای تشخیص نیازهای موجود تعاونی‌ها در اتحادیه اروپا و تضاد دربار آنها، مطالعه نمونه‌هایی است از فعالیت‌ها و شکل آنها و نیز مواعی که در سر راهشان قرار می‌گیرد.

متداول آن است که وقتی نیازهای این تعاونی‌ها مورد ارزیابی قرار می‌گیرد آنها را با توجه به موقعیت بخشها و کشورهاشان از هم تفکیک نماییم. در این مورد، اگر با در نظر گرفتن ویژگی‌های انواع مختلف فعالیت‌های بین کشورها درباره آنها صحبت شود، بیش‌بیشتری نسبت به آنها پیدا می‌کنیم. شواهد تجربی گویای سه نوع اصلی از این فعالیتها است که عبارتند از، همکاری در نواحی مرزی، مشارکت دو طرفه، کار در گروه‌های چند ملیتی.

### همکاری در نواحی مرزی

امروزه نباید مرزهای فیزیکی یا فنی بین المللی در بازار داخلی اتحادیه اروپا وجود داشته باشد. مرزهای تاریخی باعث جابجایی غلط نظام اقتصادی شده است. آنهایی که در مجاورت این مرزها قرار

دارند، اغلب بیش از همه از آن تأثیر می‌پذیرند. زیرا اقتصاد کشورها و بازارهایشان به اجزای سیاسی تاریخی تقسیم می‌شود و مکان‌هایی را به وجود می‌آورد که ممکن است از لحاظ اقتصاد اروپایی، حالت مرکزی داشته باشد ولی از لحاظ اقتصاد ملی حالت حاشیه‌ای پیدا کند.

البته بازار واحد در اول ژانویه سال ۱۹۹۲ یک شبه به کار نیفتاد و هنوز مواعی زیادی بر سر راه آن قرار دارد، با این حال اکنون علایم فعالیت‌های بیشتر اقتصادی در میان مرزها وجود دارد. توانایی حفظ یک شرکت به عنوان یک نهاد اقتصادی مستقل و تنها در این مرزها مواعی مزبور را بر طرف خواهد کرد و می‌توان انتظار داشت که این شرکت روند فعالیت را نیز تقویت کند. دلیل اصلی برای چنین فعالیتی در مناطق مرزی آن است که از فرصت‌های جدید بازار و صرفه جویی‌های فنی حاصل از تولید وسیع بهره برداری شود. در این مکانها، فواصل نسبتاً کوتاه است و وابستگی‌های قوی فرهنگی و زبانی نیز اغلب وجود دارد.

اکنون نمونه‌های چنین همکاری‌هایی در بین تعاونی‌های مناطق مرزی باسک<sup>۷</sup> (بین فرانسه و اسپانیا)، باس راین و آلزاس<sup>۸</sup> (بین فرانسه و آلمان و سوئیس)، ایرلند شمالی و جمهوری ایرلند وجود دارد که همه این مکانها روابط مهم فرهنگی یا زبانی با هم دارند. به هر حال، تفاوتها هنوز آن قدر زیاد است که ایجاب می‌کند شریکی را از طرف دیگر مرز پیدا کنند که دانش خاص بازار را داشته باشد و بتواند مانند یک سکوی پرتاب عمل کرده، آنان را به بازارهای دیگر سوق دهد. نکته مهم این است که یک انجمن تعاونی اروپایی، امکان یک ادغام بین مرزی را باید به وجود آورد. انجام گرفتن چنین ادغام‌هایی عملاً دشوار خواهد بود. به هر طریق وقتی ادغام صورت گیرد، تعاونی‌های دو کشور عضو ممکن است بتوانند با استفاده از یک ساختار کاملاً متحد تصمیم‌گیری، از صرفه جویی‌های فنی مهمی بهره‌مند شوند.

مسئولان صنایع خدماتی در مناطق مرزی ممکن است دریابند که مشتریانشان

مشتری اصلیش دریافت می‌کند و شروع به تولید اجزاء و قطعاتی می‌کند که امکان بازسازی و استفاده مجدد از آنها وجود داشته باشد. ولی لازمه این کار تحقیق و توسعه گران قیمت است. فن آوری مزبور قبلاً در آلمان وجود داشت و یک شرکت اصلی وابسته به سیت به نام «وی دابلیو»<sup>۱۲</sup> چنین قطعاتی را تولید می‌کرد. محل مزبور از لحاظ امکان قبول مسئولیت مشترک برای سرمایه گذاری یا صرفه جویی زیاد در موارد غیر فنی، مناسب بود.

صحت انتخاب شریک اهمیت حیاتی دارد. این انتخاب نه فقط موضوع مکمل سازی، بلکه موضوع اندازه انگیزه نیز هست. تجربه «چک دوژنرا»<sup>۱۵</sup> در پرتغال، این مخاطرات را به روشنی نشان می‌دهد.

این تعاونی و یک شرکت بزرگ خدمات مسافرتی به نام «واگن لیست»<sup>۱۶</sup> مسئولیت خدمات رسانی بوفه قطار در کشور پرتغال را به طور مشترک بر عهده گرفتند. در آغاز، شرکت بزرگتر به نمایندگی از هر دو طرف، یک مدیر داخلی برای تصدی امور به کار گماشت. اما بی‌تعمدی فزاینده شرکت واگن لیست و بی‌رغبتی و مانع تراشی شرکت «چک دوژنر» مکمل یکدیگر شد. شرکت واگن لیست با فروش سهم و منافع خودش به رقیب اصلی چک دوژنر در پرتغال، به این واقعه ناخوشایند و ناموفق پایان داد.

البته بعضی وقتها لازم است شریکی با قدرت مالی خیلی بیشتر وجود داشته باشد و در چنین مواردی مدیریت طرح را ترجیحاً شریکی باید بر عهده بگیرد که در بازار مورد نظر فعالیت می‌کند.

همان طور که می‌توان از نمونه‌های بالا استنباط کرد، مشارکتهای دوطرفه اغلب با شرکتهای غیر تعاونی صورت می‌گیرد، زیرا طبیعتاً کار آنها فقط بر مبنای منطق تجارت است. اما در چنین مواردی قانون همیشه از یک فرهنگ شغلی بیگانه نشأت می‌گیرد، بنابراین حتی وقتی حق انتخاب وجود داشته باشد، دشوار بتوان استفاده چندانی از آن انتظار داشت.

### گروههای چند ملیتی

در یک بازار واحد اروپایی، شرکتهای



تمایل به سرمایه گذاری آن را داشته باشد. شریک دیگر دانش بازار و امکانات تولید در محل را. شرکای خارجی به علت ماهیت و تجربیات متفاوتشان اغلب زمینه‌های بیشتری را برای همکاری سودمند در طرفه به وجود می‌آورند. به هر حال، شرکای خارجی ارجح هستند.

دلیل کمترش همین مزیت‌های مکمل است و دلیل بیشترش آن که تضاد منافع چندانی با آنها پیش نمی‌آید (یعنی آنها در همان بازاری که شرکای خود دارند، رقابت نمی‌کنند).

یک تعاونی اسپانیایی که قطعات یدکی برای خودروهای سیت<sup>۱۲</sup> تولید می‌کند، مثال خوبی است که به وضوح نشان می‌دهد وقتی چنین مشارکتی وجود داشته باشد، تأثیراتی به جای می‌گذارد که به تنهایی میسر نمی‌گردید. این تعاونی که در «موندراگون»<sup>۱۳</sup> مستقر است، تقاضاهایی از

در طول مرزها به طور فزاینده‌ای از فرصتها و امکانات بازار استفاده کرده، یا با جابجایی امکانات تولید، هزینه‌های کمتری را از لحاظ مواد اولیه متحمل می‌گردند. بنابراین، آنها باید بتوانند خدماتی را برای این مشتریان در طول مرزها انجام دهند. مثلاً تشکیل یک گروه منافع مشترک اقتصادی اروپا<sup>۱۴</sup> بین بانک فلکس<sup>۱۰</sup> در منطقه باس راین و بانک دولتی استراسبورگ<sup>۱۱</sup> در تبعیت از همین منطق است.

### مشارکت دو طرفه

مشارکتهای دو طرفه را می‌توان در مکانهای مرزی ایجاد کرد، ولی ممکن است در آینده فواصل خیلی بیشتری را نیز شامل شود. محیط و جو مناسب و مطلوب و همچنین وجود عناصر لازم از مکمل‌های اساسی همکاری در بین شرکاء است. ممکن است این سخن چنین معنی دهد که یکی از شرکاء ظرفیت مالی یا فن آورانه و نیز



تعاونی (و غیر تعاونی) که تولیدات و خدمات مشابهی را در کشورهای مختلف عضو عرضه می‌کنند، می‌توانند از لحاظ توسعه تولید و عرضه محصولات و خدمات در بازار خودشان و سایر بازارهای مشترک المنافع یا بازار واحد، به منفعت دو جانبه و با ارزشی دست یابند.

موانع قانونی این نوع همکاری هنوز مشهود است. چنین فعالیتهایی غالباً ایجاب می‌کند که در هر کشور که فعالیت اقتصادی برنامه ریزی می‌شود شرکت‌های محدود تأسیس گردد، ولی این امر ممکن است به ایجاد الگوهای پیچیده از لحاظ مالکیت منجر گردد و موارد فنی و قانونی را دچار ابهام سازد.

در حال حاضر، تنها وسیله برای این گونه همکاریها در سطح اروپا، گروه بندی منافع مشترک اقتصادی در اروپا است، اگر چه از لحاظ همکاریهای بین مرزی وسیله‌ای عملی می‌باشد، ولی محدود نیز هست. فعالیتهای یک گروه حافظ منافع اقتصادی در اروپا همیشه باید در مرحله دوم قرار گیرد. هر چند باید با فعالیتهای اصلی اعضایش مرتبط باشد، بنابراین هرگز نمی‌تواند واقعاً ساختار مستقلى به خود بگیرد. ضمناً چندین معضل مشترک وجود دارد که باعث می‌شود پیدا کردن سرمایه لازم برای سرمایه گذاری بسیار دشوار گردد. بنا به این دلایل، «یورسا»<sup>۱۷</sup> که یک گروه حافظ منافع اقتصادی در اروپا مشتکل از پنج تعاونی اروپایی و بیمه گذرانی از چهار کشور است، ساختاری دو منظوره ایجاد کرده است. گروه حافظ منافع اقتصادی در اروپا کارهای لازم را از لحاظ تعیین هویت‌های مشترک شرکت‌های اروپایی انجام می‌دهد، ضمن این که شرکتی برای نگهداری سهام شرکت‌های دابسته در لوکزامبورگ تأسیس شده تا سرمایه گذاریهای اساسی تری را که احتمال زیان در آنها کمتر باشد، در پروژه‌ها امکان‌پذیر سازد.

### یک قانون مختص «تعاونی» برای تعاونی‌ها

مواجه شدن با حقایق شرکت‌های غیر

تعاونی که از ساختار کلی و برنامه‌های یک انجمن تعاونی اروپایی برای اجرای فعالیت‌های بین کشورها استفاده می‌کنند، کاری دشوار است، مگر آن که مزیت خاصی در آن باشد. وقتی دلیلی وجود ندارد که شرکت‌های بزرگ را از تشکیل این اتحادیه تعاونی منع کنند، باید روشن گردد که اگر چنین انجمنی بخواهد از آن موقعیت بهره‌مند شده و پایدار بماند، می‌بایست به اصول تعاونی‌ها وفادار بماند و از آن تبعیت کند.

اگر چه تعداد شرکت‌های تعاونی که تمایل به استفاده از قانون مزبور را دارند ممکن است محدود باشد، اما نکته مهم این است که آنها باید بتوانند با حفظ ویژگیهای تعاونی خودشان، از مزایای میسر و موجود بازار واحد استفاده کنند. همان طور که از نمونه‌های بالا می‌توان متوجه شد، عملیات و نقل و انتقالاتی بین مرزی شرکت‌های تعاونی بسیار متعدد است، ولی لازم نیست قانون اشاره شده تا آن حد انعطاف پذیری داشته باشد که ظهور شمول همه این

تفاوتها و تنوعات را اجازه داده یا نادید بگیرد. صور معینی از همکاریهای بین مرزی وجود دارد که تعاونی‌ها را مقید می‌سازد تا حتی با داشتن اختیار ایجاد یک تعاونی اروپایی، از آن اختیار استفاده نکنند. این همکاریها بیشتر به صورت فعالیت‌هایی است که صرفاً اهداف تجاری داشته شرکت‌های غیر تعاونی را بر مبنای دو طرفه مقید به رعایت اصول می‌نماید. این قبیل فعالیتها کاملاً مطابق با مقررات قانونی موجود انجام می‌شود.

وقتی هدفهای تجاری انجمن تعاونی اروپا در جهت هدفهای «تعاون» و تعاونی باشد، قانون مورد بحث از اهمیت و ارزش والایی برخوردار خواهد گردید. بنابراین، منطقی و مفهوم است که حتی حداقل ضوابط برای اجرای عملیات یک انجمن تعاونی در نظر کشورهای مربوط اصول معتبر و شناخته شده‌ای برای همکاری تلقی شود.

### پی نوشت‌ها:

1. W.L. Neale معاون دبیر کل، جامعه تعاونی‌های مصرف کنندگان اروپا، بروکسل.
- 2: Neo Functionalists.
- 3: Bicycle Theory Luralis.
4. Single Market A. منظور بازار اتحادیه اروپایی است.
- 5: Lowest Common denominator.
- 6: European Co \_ Operative Soaety (ECS).
- 7: Committee of Permanent Representatives (COREPER).
- 8: Basque.
- 9: Bas Rhine / Alsace.
- 10: European Economic Interest Grouping (EEIG).
- 11: Volks.
- 12: Strasbourg.
- 13: SEAT.
- 14: Mondragon.
- 15: VW
- 16: Cheque Dejeuner.
- 17: Wagons \_ Lits.
- 18: EURESA.

